

امام: باید تذکر بدهم که نقشه های حساب شده در کار است

گفت اینها را سکنی، شکست. بعد آن لب ۸ ساعتی که در عده بجهادش بود، پهلو هم گذاشت گفت اینها را سکنی هرچه زودتر شکست. گفت شاید دستان به این جویها است. اگر یک پسرانه شکست میشود، اگر دوستیان بکلوف و چهار دستانان بکلوف باشد شکست میشود. اگر همان را هم نایند مثل این جویها که همه باهم باشد همچنان میتوانند شاید را شکند. اگر روحانی شاید باشد، میشکند او را. اگر اوضاع شاید باشد میشکندش. اگر موده شاید میشکندشان، آئی که آسیه را درست، آئی از که همچنان را همه باشد، اگر خوش و مسخر شغل میکند. لکن در عمل، این عمل را احتمام میشوند چه شده است شاید؟ پیروز شدید؟ شایی که لایان لست کفر را شاه حمل کرده است، شایی که در سویگرد آن سطاخ را داردش در آیاگان آن سطاخ را داردش، در اهواز آن سطاخ را درآوردش، ساید بحمدون بیانید که دیگر نوی روشنامه این علتها را تکید؟

روزنه های سخاونده که بتوت من می داشتم؟ (الظاهر) بک رو زن به طردیاری اختر. بک رو زن به طردیاری آن جمله آنچه شایسته است! مسلمان باید باشد، انتقاد به خدا دارید، انتقاد به اسلام دارید، انتقاد به معاد دارید، جوا خلوی رو زنها هم را میگیرید؟ مکر من گفتم به آنها جوا سکرته جلوی رو زنها هم را و مکر سکرته، مکر جلوی خلوق دهشیان و مکر سکرته، مکر جلوی نهاییان و مکر سکرته، مکر جلوی هموطنان و مکر سکرته، مکر جلوی هموطنان که با آن داریم سام باید باشد به جان هم سبده؟ من اینجا اینجا دارم که شاهوامها و حوابیان ایران و همه فرهنگیان ملت، الا در دنیا که ایندی دیگر از آنها بیست، اینها با هم مجمع یونسکو و مسیطوری که الان اکثر مردم مسلمان هستند درست مردم باشند، الان وفادار به جمهوری اسلامی و اسلام، من ایندی این را دارم که اصحابی که از این کارخانی علیلی ناچور و حلیست دست بردارند و این دسته شهول شودند تا اسلام کار نکند، اگر همه هم مجمع باشند، اگر سران همه هم مجمع باشند اینا باید تکونند به هم، اووه او اشکانیه و او و او در یک جمیع مردمی، در یک جمیع مونعی که ما داریم، کارها هم اصلخ سند و اسناد را که خداوند هدایت کند همه ما را وحده سارا و ملت را درآوریم، عالمی سپور باشد و شاه هم برای همان اتفاق است. عمل کنید، شاه هم باشد پست و پنهان هم باشد ملت خوب است، ملت بک ملت روسی است، بک ملت خوبی است، شاه هم با هم مجمع شود، دولت و ملت، ارگان دولت، رئیس جمهوری، نخست وزیر، مجلس، خلیل هم اینها هم مجمع باشند و در یک شجاعی موضع حضرتی که همه کوشنار هستند، اگر بیرون شودند به نجات درزیزی باقی میمانند و رئیس جمهوری پایی میمانند و همه ایزدیاری، نایاب با هم باشد ایشان کار را بین مردمد، اگر هر کدام بخلدید، علیحده و هر کس داشت مسخواحد که خانی بک انتقامی بکند و بک تناهی از این بکند و بک حرف مشی بزند به اینی که خودش برای همان آدمی که بظاهر میکند اول را میکند آنها همی کنند نظاهرات

قدرتی نبیوادن شنا را غص بود، آنها هم این معنای
فهمیدند وی میمید که خوب بکی از اشخاص بکی از
کروهایان که نعش دارد درون امر، اینست که نوش میری دارد
روخانی است، از اولیک این اختلاف بسیار شد بحال،
بک در صحابات روزگر و قدرتمند، آنها که اهلستان
و با خودشان معمد شدند و با دانش این کار را میکنند از
اول این مسئلله را میکنند که روحانیون سرونه بکارداریکی
میکنند، ما هم میرویم سراغ جبر، همچنانی که مسلک
اسلام را دوست میخواهند میگردند کنند به اینها
اربابهایان هستند با آنها نیک خجال خودشان میگردند
همند، اما مسلک اسلام از اول بازدید خود را نباشان
بپشت از حد همار حممت از آن که شده است، و پیش
از مددگار بعلول ما الان داریم، اینها مرای جی بعلول
شدن؟ برای جی که شده است؟ برای نکت بوده است آلام
برای نکت خود را میکند؟ برای خانه بوده است؟ برای
از رای بوده است؟
خوب ما از نظاهرات مردم باید اینها را بخشم.

همه میگند ما اسلام را محوهاشیم، اگر اسلام نموده، نفت میتوانست همچنان کاری نکند و نه بازی جزئی، مگر مردم متوجه روانهای انسان را ندهدند برای چه؟ میتوانست جوانان را بدهدند برای حادثه؟ الان که شما شاهدین هستید و ارتسان مانند خداوند را در میتوانید بدهدند و در میتوانید بمال هستید، الان کی هست که دارد از آنها بستینی میکند؟ آن زندهایی که برای شنا شان میبرند و آن مردمی که برای شنا ببول میدهند و آن مردمی که برای شنا بخرند میدهند و آن زنجهای را میفرسند. همین سه سلسله شاهزاده میباشد در تلویزیون را که شنید که در نامه ای میخواستند در تلویزیون را بکجاشی کردند و نه توانند ببول دارند، هماید میدهند همین را، یک بچشمی کردند و نه توانند ببول دارند این را میدهند، اینها برای حی اینها را میدهند؟ اینها برای اسلام است، برای کشور اسلامی است، حقوق شاهان همچنان میگند؟ اینها کی که من میخواستم بدهند چه غلطی میگند؟ کدام از اینها را درد نمیخوردند؟ این نشان است، شاهان کی که الان ای انتظامی وارد میتوانند در اوضاع و در جهات و مازای اوضاع این نشان را بوجه نگذینند، شاهان کی افسر هستند این نگاهها را باید بوجه بگذینند، که میخواهند شنا را از مردم جدا کنند، روحانیون هم از مردم جدا کنند، مردم و فکر نه در در در روحانی دارند و شاهان

بک و فتن میگذشت ازین را باید کارگذشت حالا دارد
میگویند که روحانی باید کار برود و بروز رخاع از خادس
دردم بدعاوایانه این عده بازخوده از ارتباشنه ایمان کاری
را دارند از احتمالی میگذشت، این عده بازخوده میگذرد میتوان
و دردم که نمک روایت است، مرکز اسلام است، ظرفانه
مادر میگذشت و در آن ظرفانه ایمان حمزه ایزادی مطلق باید
اصل دخالت گذشت درین حمزه ایزادی مطلق باید
باشد، ایزادی مطلق باید باشد که آنها میگویند، ایمان که
حریکیهای دنیا و غلای دسته هنر و غلای دسته کاروی
غلای دسته که هچ اختقاد به اسلام ندارد، آنها ایزاد
باشد و باید و هرجه دلخواه میخواهد بگویند و هرگزاری
میخواهد بگذشت و لو فرض کنید که هدایات اسلام حرف برخورد
ازدادند، ولو ب مد فران حریف برخندید ازدادند ولو سے
صد محیوری اسلامی حریف بزید و ایزاد و بگذشت
نهنم سکونتی بخر باید این حمزه باشد. ایمان گذشت
آن بست که ایزاد باش ایمان گذشت و مربت سخواحدان آن نفعای است
که طرح شده است بایسان و مربت سخواحدان بینهای کردند
آنچنان که ایمان گذشت و ایمان گذاشت

آراء آزاد نامم که به هرجزی که از شعار اسلامی که هست
سازم آزاد باشیم که در داشتگاهها آن شعارهایی که
همانی بخشد فرقان می‌باشند.

آزاد باشیم که با عده شعار اسلامی محالت کیم
آزاد نامم که هرجه دلار سمواحده دمارسی، بعد
روجانی، به عده موسمین و تندیسین بکوشم. بعد احتسابی
درست نکند و جاگذید نکی یکی گواه را ازهم.

امروز این است که روحانیون ناید بروند و دعاکشند
و عرض نمکن که اینها، این حنان طرحی است که آنرا کی
نفعمنش را دارد و انگلستان هم ایساچو اداشته است
الآن هم هدف دلخیهای که ابرقدرتیهاست که می‌خواهند ایران
را حباید و شو را بجایند و از اسلام مستود و از ایضاً
اسلامی مسترد این حنان طرح است و من نیافت هستم
که این طرح در قوم دارد احتمام نمکنند. اگر بازاری قسم
مازاری شهوان که این حرف را می‌خواه انت می‌نمایم

رباد است برای اسکه طرح جوان بیاده شد و اگر باز پیرهان
و قدم نایم موافق می‌ستند جلوه‌صحیح نگردد؟ این
حنان طرحی است که افغانستان از دولت سال سنت از این
ما بینتر طریقی کرده که خدا گذشت روحانیت را از
سات، حد اکنن روحاً بینون را از مردمی که می‌خواهند

فایع الحصیلان دومن گروه دانشکده اسری جمهوری اسلامی ایران که از حبشهای حکم بارگشته و مجدد اعلام جهادی هستند پس از طهر سرور در حینه حزاران را امام خمسی دیدند. در این امان دیدار یکی از افراد آنایی چند از کلام الله حجیدرا فرازت گردید آنکه امام خمسی اینجا چند از احادیث فرموده بود:
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
از شاهزادگان و وزیران روزمهده تنک مکنم که در اینجا آیدید و از تزدیک نام ملاقات کنم و عینی مسائل را در میان مکداشتم. از ارتضی و مادر و فوای انتظامی و نظامی و از توانی مسلح دنکر، بادشان، دادوطنان و خدمت فرهنگی که در جهیه مسئول نهادکاری برای اسلام هستند کمال تنکر سکم و هماهنگی کرد سه ساعت مطلع ایم. حجت این یک لشکر اسلامی است و یک توانی مسلح اسلامی است، تمام ملت ایران بستهای این فرقه دارد و زن و مرد مسلمان مسئول جهاد هست. هر کدام آن مدباری گردد سیاست کنک و صراحتی میکند. بتوان همه دین اسلام

است قرآن کریم است و ملیتی اسلامی در هر چهار کجا نک است
اطهار شفاهی را می بینیم که از پنجه ایشانها یعنی زبان و داده
و علام میگفتند که ما هم می چواییم بنایان در جهانها را
بازی خود را در هر یک روز می بینیم که ایران عراق چک کیم والی
اعیانی را در این دست گذاشتند که آنها میگذرد ولی سکارا یا همانکم
و عراق مساجد خود را محدث الله کاپیت برای جلوگیری از
امن سوارت و ایشان الله بروزی خواهند اسلام را مکفر ظاهر می نمود
ایشان الله دست ملت مظلوم عربان را در زیر سین این سکاران
جذاب خواهند کرد از طلاق عربان
من هم خوبی از چک بدارم و مسامعه مدارد، و مطلب
ما هم بدارد. لکن آن خوبی که چست که من برای شما که
می چواییم افسر باشد و در جهانها بروید و با گلار چک کنند
باید شکر بدم که مسحای حبای خود تنه دنگار است برای
تکنیک اسلام. مقدمت اصل است که اندیشه کنون ای اسلام
میلی خود را درین الدنیا آنها را ایران بپرسید
کرده و دست جاواکهارا کویاه کرده و لهداد دسترس
اصلی اسلام است، نه ارضی است بدور و حاشیه است و نه
جمهوری اسلامی و نه حکومت اسلامی و نه آنها که در راه
اسلام دایدند تا کاری میکنند، دهنن اصلی اینها میگردند

استخوان که از این گارهای خلی تاچور و سنتی است
دست بودارند و همه شنوند بروای اسلام کار نمکند.
اگر همه با هم مجمع باشد، اگر سران همه ناهم مجمع
باشند ابراد نگیرند به نه، او به او احکام نمکند و او سه او
در یک همچو موردی، دریگرد همچو موافقی که ما داریم،
گارها همه اصلاح می‌نمودند و ایندیها که خداوند هدایت
کند همه نا و همه سارا و ملت سارا و افتابا... عالی
بپرسو باشید و شاه همه را خدا اینجا... عمل نکنید.
با هم ناسید پست و بناء هم باشد ملت ملوب است، ملت
یک ملت و روشن است، ملت ملتم هوی است، شاه هم
با هم مجمع شود، دولت و ملت ایران دولت،
رشیش‌جهویی، نجحت و پریش، مجلس همه اینها با هم
مجمع باشند و در یک همچندن موضع خطوطی که هفت
گرفتار هستند، اگر بپرسو بسوند نه حسوس‌جهویی ناقی
مساند و نه رنس‌جهویی ناقی مساند و نه مازاری، ناسی
با هم باشند نا اسکه کار را پیش بپرسند، اگر هر کدام
علیحده، علیحده و هر کس داشت می‌خواهد که حاضری یک
اعتصابی یکند و یک نظره‌واری یکند و یک حرف مطلق بزید
به اسی که خوش بروای همان آدمی که تغیر مادری نمکند اول
را نمکند اینها که نهاده ای

مکنست آشیانی که از این در این موقعیتی که جنگ هست در ایران و خد و ملائمه مسلمین در خطراست و خدمت حضرت مسلمین در خطراست، امروز سلوکاری مکنست و اجتماع مکنست و نظر مکنست و حرف نفت میزند، اگر آنها تله مکنست پدر خود شما را اول در میورزد، یک فدری بساز میورزد و یک فدری بوجو بخندید به من مسائل این دنیا را برهم زنند، امدادی داشت به مردم اسلام الله روز عاشوراً که جمعیت هزارون نباشد، مراسم تعزیه حسین بن ابی حادث مراسم باید با قوت خودش بانسد و اگر کسی شعراهایی باطل امام حسن عسقلانی ملام حساند و راهنمایی شعراهایی باطل جهات بدهد با قوت او را بکوید و بکاربردی کسی شعراهای باطل بدهد خود مردم ماموره شنکن اسلام انسان این است اگر یک کسی شعرا علیه کشی، له کسی نزدی کسی برای نفرداندن احش، بدهد خود مردم ماموره که او را نکردد و خود را مه مراگری که ناید بنهند، بدهند من از خدای سارکار و تعالیٰ خواهیم که خداوشنده همه ما را بساز کند (الهی آمن)

اسفانی که هر کدام استان دیگری را میهم مکنست و غلط داردند مکنست بساز کند ایها را (الهی آمن) اسماهان که اسلام کنند

اینها که سران اسلام را داردست میکنند، هدایت بیداران
کند (اللی آمن) اینها که معاویه سفره سید از زین صنوف
ملین، خداوند بیداران کند، الهی آمن خداوند
اسلام که هدیه شما نصرت بدید و سما برادران عزمی
که ای از اسرائیل که بیرون از دید و مخواهد بروید به
عمل کاران، خداوند شما نصرت عیاپ کند (اللی آمن)
سما عزمیان ملت همیشگی، شما بیداران ملت همیشگی
و ملت شما هست امروز از همین جزیره برتری برای اینکه
ساقی ملت و ساقی حدا از همین بودید و ایان به حمد الله
همه همین هدایت و هدیه در ذکر جمیع همیشگی، و من و پیش
که شاه سکم به طوری بیرون که شاه مددگار ایشانی که برای
همین ارض و براز همین شاهه بیداران و براز همین
ایشانی که در جمیع همین ارض است میکند، رهبا، بوده
بینهایها، بیمردها، من این در غالب میکنم که
اعطا هست ما هم و سما بیبورید ایشانی الله
ایشانی بیبورید است، خداوند همه همان را خطک کند و نیا
لامات و سخت وارد شود و این جنکی که من اسلام و
کفر هست و سخوارم که آن کسانی هم که در جهه هم
شند با قدرت و باقوت و مقدرت و میتوانند بر جهه های
برونده اند و داده ایم که آن کسانی را خوده عراق هم که
آمدند و براز شعر سلیمان بن دید مسلم داردند عمل
میکنند آنها که بیدار شوند (ائمه الله) و دست از این
کاری که بر خلاف فرقان است، و سر علاوه اسلام هست و
برخلاف مبالغ اسلام است و سر علاوه بمعنی اسلام است
دست بودارت و خداوند همه شما را بیبورد و موقیع کن
والسلام علیهم و سلام الله و بربگان

این نشست است. شناخته که الان آن‌الله وارد می‌شوند در ارض و در جهات و مازای از پیش، این نشست را توجه نمکند. که سما که افری هستند. این نشستها را باید متوجه نمکند، که می‌خواهند سما را از مردم جدا کنند، روحاً نیز هم از مردم جدا کنند. مردم و فتنه نه قادر روحانی دارند و نمی‌دانند یافهمیده عمل می‌کنند.

با باشند، میشکنند اورا، اگر از اش تنها اورا، اگر مردم تنها باشند میشکنندشان

قدرت اللحدای دارید، بک گاری یکنند، بک گودنایی
یکنند، نعام گند قصیده را، مثله ایست این رومنامهها
نمی فهمید ما فهمده عمل سکنند جرا باده این رومنامهها
دایم بزید به ایسطور اختلافات؟ اختلافی که اخراجی
طرح برپای شان سکنند که اگر این اخراج پیش ببرید هم تو
روزگارندگار را و نه آن رنس رومنامه را تجواهند گذاشت.
تئامان را از من خواهد برد. آن چنان است. تما
سیاری گرفتارند، رومنامهها را مباری گرفتارند. چجهه را
مباری گرفتارند، نفعه است گفته ها را از هم جدا گند.

دولت را از ملت و ملت را از دولت، رئیس جمهور را از مردم، مردم را از احوالاً سپرخی، آن روزی که دستشان بودند، اول گیر که در دولتی کنند میتواند میعنی رئیس جمهور است جنهمایان را باز نکند. همین روسای ارتش است، همین روسای روحانی است، و بعد هم میتوانند حساب احراز دارند. آیه‌ای که با آنها موافقندند، آنها که اهلاً و سلواً و آنها که با آنها مخالفند حساب آنها را من گذند، بازار هم الساحر در دست انداد، کاری دیگر ندارند. این روزی آیده به روایی ارسی که همه را مجمع گردند و اینستی است که تواند حملگیری کند، سعادت‌سود. جرا اینقدر خواهد؟

ای سرخ جرا اینقدر خوابید؟ جرا جنهمایان را باز نمیگردند هر که هرچه محت میگردند به صد هم میجت میگردند، هرچه میتواند به صد هم میتواند، بادند بیدار شومن ما، اگر خدای بخواهیم جدا کوند و روایی را از ملت، جدا گردند ارسی، از این ملت، هرگذاشت را علیحده گردند و آنطورها که میخواهند احتمام بدهند گردند، ارتش را منحلش بگنند و بواطه بک میلیانی، روایی را کار نگذارند و میتوانند بواطه بک سلطنتی، یک چیزی که همچین گاری بگنند، دیگر نه بازاری ازش کار می‌سازند که احتمام بدهند و نه داشتگاهی، ناشایع را هم مجمع همیشی با هم هستند، میتوانند کار نکنند، یکی از مللها دیگری که در مردم هستند باز هم میکنند، نگذرند که مخواست معمول ۷-۸ هزار داشت آنها را حوات، یک جوهانی هم نهیه کرده بود، یکی از این جویشها را گفت این را نشان، نشست، دوی را گذاشت بمردم هم

A black and white portrait of Ayatollah Ruhollah Khomeini, an elderly man with a long white beard and a dark turban. He is looking slightly to his right with a serious expression. The image is framed by a thick black border.

است برای ایوان گرمه گردید و حرف زدند.
و در شعرهای انسان بعضی دادند و همه الواطی خواستند
گردید و همه داراییهای سما را به چاول بردند برای استاد
کسی نموده نمود که حرا آین روشنگرخانی که آن دارمدمی
گویند و مع الوصت سنتان بعضی متذمین هم هست
بازی خوردیدند و غرب دهدند: میگویند که روحانیون باید
بروید سرانجام خودشان و ملت را بگدازند و سانت را
بگدازند برای ایوان. سانت را بجای اسلام داشتند و همچو
غلظت نگرددند، سنا که اگر اینستی توافق انجام مدهدند
هر گز انسان که ملی بودند با فرض کنند مدنی نبودند
سدانهای ذوق آمد: توسران مزدیدن، چی بود که افغان ملت
را غلبه کرد: بر مرهه؟ آن گلگوهی بودند که نفس برگزید
از همه را در ایوان حبسی داشتند: سنا که همایون حسنه
آنوقته مخالفت گردیدند، سنا را من میشمام سخواهه
انسان را بسم، سرخایان بستهند، ادم بنود
دو این راهیهایی که روز بسوی عاشورا مبتدا
باید بوجه نگیرند، و دو نکه را من بگویم، میکنند
راهیهای عزاداری را از سایر تکریب، عزاداری کنند و
عزاداری را بسروید. همه ما هم جمیع شویم و بعده عزاداری
وقتی گلند راهیهایی بین سایر حالات نگیرند که متعارض
انست که عزاداری سخواههم، با از همین اسلام و مظاهر
اسلام و شهدای اسلام میتوانیم کامیاب را انجام دهیم و الا
نه بوب ما و نک و ناک و ناک و بوب امیرکا ندارد
خوروی ندارد، با یک طبق مسخواههم که برای اسلام
مسحت شود و ملکمن باشند که وقیع بک ملت در مکان
از اسلامی خدمت شدند که چنانچه، بینند شدند: همچ

سنسن نعمت، محمد سعید بیهقی، امیر جون
سلی حورند و دست رئیس‌اللادکان آنها را از ایران
گردند و دست چهارگاهارا کوئان گردند و لهداده
اصلی اسلام است، نه اینست این مروجات است و
جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی و آنها که د
اسلام دارند فناواری میکنند، دین اصلی اینهاست
دست اصلی اسلام است، منهنی باشند تنه حساب
دارند بسیروی میکند، حدمام این مثلرا خانه
مثل هاشی که در من مردم هست آنورده است، این ام
که من شنیدم و لاید که بسیاری از شاههم شدند، من
که بک اخوند و بک سکندر هم از اخشار منشار
رفتهند در بک باعی برای درزی، صاحب باع و بیکند
دید خوب اینها نظردید و مخصوصاً نای در این ها
کند، روکرد به دوپردازان گفت که خوب، مه آنها رود
گفت که این سند اولار بمعنی است حق دارد از شاید
از این کشم از اینجی مثلاً دست روی هم کاری
مال خودش بوده این امای اینچن هم خوب عالم است
القدر است، اسلام به او احترام کذاست است ما باید
او احترام کشم، خوب این آدم عالی جه میگویند
نفر را با خوشی موافق کرد و آن آدم عالی را اگر قشد
داند، بگویی که داد، بگویی کفت که ای آغا

پسند است از اینکه راه را دست بخواهد. کار گذاری میکند و میباید راه را درست و مردم و اینها را از آنها بگیرد و این قوه روحانی را از آنها بگیرد و مردم را خدا کرد و روحانیت حساب آنها بررسد. دولت را از نیز میتواند و شخصی همچو را از میهن بفرست و در درجه اول دیگری که بخواهد از میهن بفرست. هنون میبینند اگر اینها باهم محبوب باشند. بگذرد بزرگی است که نسبت این را ازینها خوب بددند که اینها و حق که با هم احتمال بدهند گردند و قدر مردم فرام گردند. اینها هم به اینها مطلع شدند. همه مطلع شدند که دولت را داشکهای هم به اینها بفرستند. همه مطلع شدند که دولت بزرگ بود که این مردم بزرگ نسبت مغلابی انساد. هیچ حکومی هم نمیتواند و بددند که مادرها را با عده ای که مادرها که دات سری گردند و آنها هم که محمد را یا محمد را درست میکنند و آنها هم که بین او بودند و ریدهای بالا بودند که حیات کار بودند. آنها هم مطلع شدند و هم ازین قوه مسلحه و نظامی استطاعی ازین بودند. از اینجای بازدهی این نفت هستند.

اینطور نست که بگذاریم که در پرهان راهیمبا

میکنند و درم راهیمباش میگذارند اینها میآتند و میخواهند باشند. اینها آنها که کارگردانها صندوق بیانیاتی را بارگذاردهند. آنها دنیال این مسند که اسلام را درست میکنند که این شماره را به هنر سرم و مقدم میکنند. همچنان

بمناسبت سالگرد شهادت حسین ابن علی (ع)

نیز فرار داده بود. سلله در این خلاصه نمیواد که زیرد حوس کرده بود از فردی که اسی پیاس نیست بکسر و حضرت عکس نمکرده. سلله اساسی این بود که دشگاه حاکمه را میان راهنمای نظام سازنده گاره اندانهای محبوسات را میان بوداره. رود و روپوش و مطابق آنام و پریده. دود و دیگری بود: امام نظریه شریعه حاکم شرق و میانه منی میتواند خداو را برید نظریه عوامل سازنده استداد که بیمار استاند از: ا- عدم آگاهی ذهنی عایه بزم ۴- استداد بیعی مبدل شدن درین به اندیشوری طبق سلطنتکه در کارخانه بود ۵- ختم اجتماعی دارای سلله ساره.

نیزه بگ کاون درور سلطنه علوان محور وهم شکر سلطنه طبله حاکمه ۶- اختلاف دین و ساس و طبقائی و بوزیر عرب ساشی مصدق احمد مرخوند سان بیرون وابسته های سلام از اینله سلطنه سلطنه درسته حلوکرسی از بیرون شدیو محالک منی در شتره اسرائیلی اموی ۷- محظوظ توں و حشت راده آتمال نظام نامنده موه فیرمه ۸- استداد طبلای طبلای که درین حال رسه و حاصل استداد ایت ۹- و بالاخره شون بیوان بایه و مایه بطا: استداد و ایزار (۱).

آن عنی عوامل به هم نایع از حرکت هد پیش بودند بلکه شرطی قراهم میروند که مانع از پیدایش سیوهان محالک منی میشوند و درسته اسلام بیوان نظام سازنده کاریمه اندانهای اندیشوری از ابزار دست طبله حاکم و غلبه اسلام بمهار و دیگر رسته نیزه بندند به استداد وجود بگ از عوامل ملکوم آن.

وازروز پس از گفت چهارده فرن پاردهک اسلام بیوان نظام کاریمه سار بورد نهاده فرار کهنهان. نهدان این تبدیل از چندین سال پیش با امروز باصره و حوصله وسا

شتهای دست تدارک شده است: حدده تعداده بین بوده اس کمالانم تبدیل بستود به اندیشوری طبع سلطنت و علما اسلام بزر در حالت سلطنه فرار گشته، ازدواج استداد دیشی و استداد سامی و اقتضادی. پس زمان باید آشنی اندانهای دسته باده و نهاده:

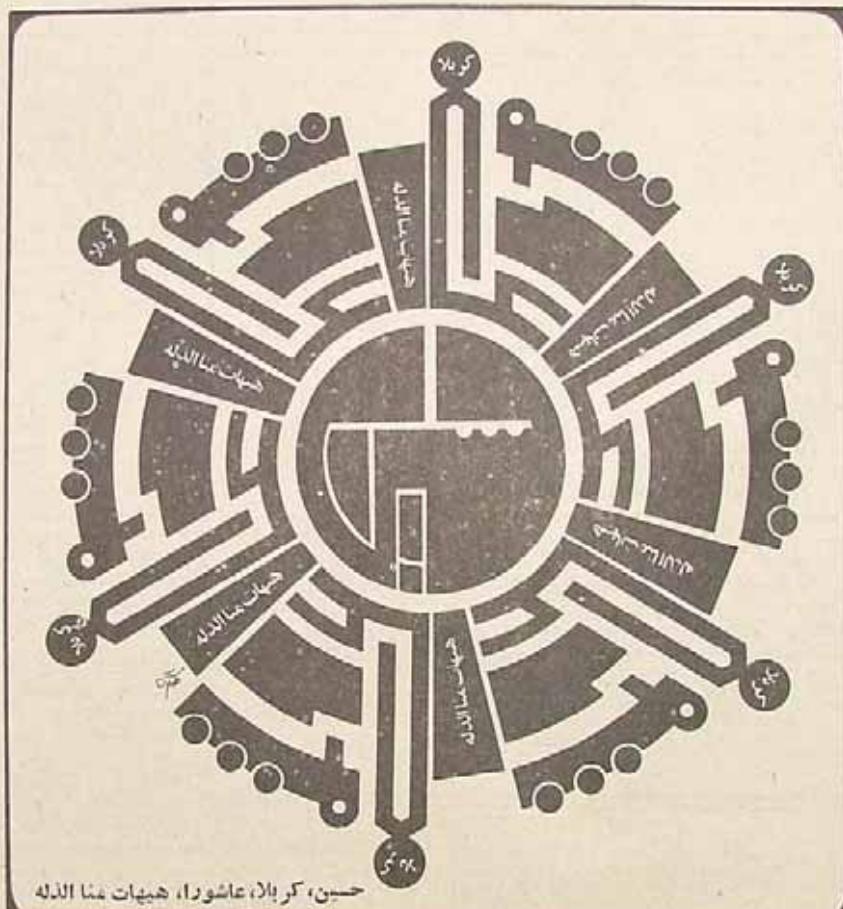
در سپاه ایران، دوازده محرم (۱۵ خرداد) برخوراد اسلام واقعی این نظام پیشانکسار و اندانهای بردار با سلطنه نهاده و خارجی ایت.

دواده سو محرم، نکاره عاشرها است. اوج حرکت اندانهای و حلقهای از پیغمبر است. نظریه شریعه محاذ منیس، میروشی که به ظلم حاکم بازنهای و ایسکی سیسته دست و نهضت بندهای آنآمد اتفاق داده است آنای حیثی است

(۲) درست درویانی که دشکانه کام کار در کرد جذب بیرون ایهای حاکم و تدبیل اینها به محالک منت بود (مخالفی که خود از باعهای بنا) ظلم ایت (یک شروع نعم و سیستم خوب چون برخاست و نیزه حراسه.

آن موقع تبر عرام آنقدر درگام بیکت حوشی و حواهده خروشید ای ای ناظم طلبها درگام بیکت حوشی ناجزگند.

شاوهای این دروغ عالمقدیر سرمه نیزه محالک منی و بیان این نیروست:



از محرم تا محرم

دكتور سيد ابوالحسن بنى صدر

است. سیاره کار بودم است ووده در حرج وک و دنداوک اتفلاک
بحالی از سور و شکل گیری میرسد که زمان آیین زادن ایام
بیشود و امام در میان بعثت و اتفلاک و ایام بود رجاسه
و حاممه و راهبری میگند. این یک قانون نیز ناید و
جاواده از مردم است. بدینسان است که امامت در طوف زمان
و مکان نمیگردد. امام ناوی هزار و پیش از این دارای
 قادر نیست راه را خود را بست بر زندگانی و با بدست
 تندیاره فراموش ایش سوارد. امامت پویا شدن اتفلاک
 در اتفلاک، اتفلاک در اتفلاک... ایش امام مظہر کامل
 این پویا شد.

بران ایام و پیامه اتفلاک بورگ حسنه، کرج
 اتفلاک ایامه لحاظ کنید اما که اتفلاک به پیشه و
 مهارتی نه ایام اتفلاک درست بلکه با اینتماد و دور، حاممه
 مه احتیاجی - آزاد استند. نظری که جر خدا با بدیگر
 چن جر آزادی حکم سراند. مونهای از این جامعه کمال
 لطوف هرگز نیکار در جانه خدا نشکل میگردند. مخاطب
 طلطلهای انتقامی انسانی و پرورشی خود را در این جگه
 سان بخوبیت خویس بردند است. دواین جامعه معرف
 مه اجتماعی خود را میتوان تین منش احتیاجی
 تنشاد اینها را وحیت از دست مددود. بر ایمان این الگو
 در این خدا ولیسا و مسکن از درست میزان از اینها واقع یافته
 میگند. میتوان جامعه ای در میان حیان نشکل اند

سنه المأتم من الرحيم
آشجه که در زیر از خط رثان میگذرد، مقاله ای است که
توسط دکتر سید ابوالحسن می سدر، در روزنامه ایوان ۱۳۵ کم در
خارج از شهر ساخته تحریر در آمده و در همان سال در
نشره «مکتب ساز»، ارثان انجمنی اسلامی خارج گشود
درج شده است.
لازم یعنی توضیحات که در این سالهای حملان، ایجاد
بین سرد مطالعه و موضع هاشمی و ایاتام معمار «القیم‌وسوی»
نمی شوند ساخت، در این مقاله به واقعه «عاشوراً» از بدی
علی و مادرش ساخت بروایه «توحید» بجهودی تو شده
است. باشدنا در ج مدد این مقاله بتواتر در فہم هرچه
پیشتر عاملان راه حسن، مفید است.

اتالله وانا اليه راحعون

قرآن کریم
حیات حركت است و حرکت موجود (امر نیست)
نمیتوان از هی سلطان قیاس اینست.
نظام را فننه از هی از اول، از جدای دنای میگند و بدو سار
بایدند. بدینسان انسان محاکوم به عمل است، محاکوم به
عمل و در عمل ساختن و ساخته شدن. آزاد گردید و آزاد
شدن است. ناد برود. راهی را که هم در حال رفتن
باید سازد و همراه گرد و مغوار آید. نه جای بازگشت

ست و به مجال هرگز، ناید بروید . . .
این حرکت، هرچند دائمی حر مه سفید، حر به
مرزهای منتهی است - از راه شدن - چهی دلگیری نیست و آن
مانتهی باشد، در فرآیند حرکت از بیان عدم تا اطمینان
وجود راه طی شده و حراً ایندۀ مجال وقوع و میدانست
نیزدارد. و اینکه اینقدر پیش در خلا کام نهادن و این
ناشائست ات. خدا از لی تها بست ابدي هم هست
نه تها آغاز نیزدار بایان هم نیزدار. بسیاران شدن انسان
(امری) صرف نشان نیست. وصل هم هست. و تمام
پیش خدا در این سیرو، در این بیوانی ات که در حوتین
حیوین انسان برانگزیند، او به حرکت آزادی بخواست.
دستی طبق انسان بنداهای از خود بناکنی که از دست داد
با خوبی برسیدار و بردۀ ایام ایام و آذربایجان دیگران
مطلع میکرد: خرجه آزادت، بحدا تریدیکرت. خدا آزادی
سلط ات. بسیاران فرآند شدن به آزادی نیستواند
سازمانده. آنکه اسان حوتین حوتی را بازی می باشد
و خودرا از سلطه از خود بناکنی آزاد، به اند واصل شده
است. بدینسان واه میان این نشان از اول و بار آمدن
به اند از جوا انتقلاب و در انقلاب نیستوانن طی کرد. جون
راه را بایان نمایدنا است، انقلاب دائمی است. هر انقلابی
راهه انتقلابی و راسیده انتقلابی است . . . و این نا بازیافتن
حوتین خوش بینی تار آمدن بخدا.

نظام اجتماعی اسلام برایه این بذرگان فلسطینی استوار
است و خود انتکا است: حدت این نظام اسلامی داشت.

امام حسین :
من پسر یغمهرم و قسم
خورد هام زیر بار حرف زور
بروم من با حق همراهم و
حق میگوینم و بحق عمل

و در همان سیاست موقوف شد. از این‌جا پس، مطهیر تبریزی مخالف نهادنی بود. او همچنان که در مقاله‌ای با عنوان «آنکه می‌توانیم از این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم» می‌نوشت: «این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم! این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم! این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم!»^{۱۰} درست درین‌جا می‌گذرد که دستگاه حاکم در کار چوب تبریزی مخالف بود و مدعی آنها بر مخالف بنت بود (مخالفین که خود از پایه‌های مقاومت نهادند) این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم! این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم! این‌جا پس از این‌جا خود را بگردانیم!

امام حسین :
من پسر پیغمبر و قسم
ورده ام زیر بار حرف زور
و من با حق همراهم و
حق میگویم و بحق عمل
خواهیم کرد و غیر حق
نخواهیم شد

- توجه به نقد پیر و جای آن در نظام اسلامی: سائل
- عاج، با توجه بجا و دغدغه کاهش از سکاریت پرورد، آزادی
اکم و حکومت هردو است، از سلطه و از خود میگذرد.
- بیان و تعریف بحالت منع و معین شکل کنایه تد
ای اینها طام رهبری بیرونی محافل متغیر است، معنی
الله، والی، وجوه اطهار حق و اشکار بسلط برخواهد در
ورت مشاهده سدتکاری دولتها (ساله ۲۷۹۴) (۲۷۹۵)
وجوب اطهار حق در سوریه که مکوت موجب آن مودوده
روضی مکر و با مکری معروف شد (ساله ۲۷۹۶) و جو
دعا در حق مرعلخان، در سوریه مکوت موجب خوست طام
ناید او شود (ساله ۲۷۹۵) و جو اطهار حق در
رسیک مکوت شد، ماده مذکور مکوت شد (ساله ۲۷۹۶)
مقدمه خوار مدخل در موسسات دولی برخیاز (ساله
۲۷۹۷) لردم اعراض و درود مردم از کسانی در لباس اهل
شیعه که در میان میتوانند موضع مذکور میباشد که میگذرد.

مو اثار اسلام است مصادی (۲۸۱) و نویسنده اسلام حسینی
۵۷ می باشد که تکلیف هدایت نوشته کرد داده است. حکمی که
پس مخلوقی اوست و اگر کوئی پیشنهاد کند، جدید
اسلام است درینها مازنده گامانه اتفاقات، امور در
امر سرسیاه اسلامی، اتفاقات در آوار مدن است.
کل عده که سعین را در می خواهند عول غلبه
ظاهر است، از انداده دادکاری سلطنت از جوانان مسلمان
مذکون است: ما سلطنت را بر عینه ایند حسین
متقل را درون خواهد کشته و ما در چهار جوب نظام
لعلی به حکم خواهیم کرد از از خواهیم شد
در خواهیم کرد
آن طالع در سطر وهر بد محاجم مدها نویسنده است
نمود که برآئیت مازنده ای از رویداد اتفاقات حسینی
که شور نا بوت خود نویسنده و نعمیل لازم داده اند
در باره عوامل اسیداد نگاه کنید به نتیجه ایام و نتیجه
له: نعمت اول از خانه
سما به خواتی سلطنت دیگر عبارت شد

است. سیاره کار بودم است ووده در حرج وک و دنداوک اتفلاک
بحالی از سور و شکل گیری میرسد که زمان آیین زادن ایام
بیشود و امام در میان بعثت و اتفلاک و ایام بود رجاسه
و حاممه و راهبری میکند. این یک قانون نیز ناید و
جاواده از مردم است. بدینسان است که امام در طوف زمان
و مکان نمیگردد. امام ناوی هزار و پیش از هشت و داریخ
 قادر نیست راه را خود را بست بر زندگاند و با بدست
نیداده راه را میتوان اس سوارد. امامات پویا و اتفلاک
در اتفلاک، اتفلاک در اتفلاک... . . . ایام و امام مطہر کامل
این پویا است.

بران ایام و پیاهه اتفلاک بورگ حسنه، کرج
اتفاق ایام همه احاطه باشد اما که اتفلاک به پیشه و
هم اجتماعی - آزاد استند. نظری که جر خدا با بدیگر
خن جر آزادی حکم سراند. مونهای از این جامعه کمال
طلوب هرگز نیکار در جان خدا نشکل میگردند. جامعه ای
دران از سه طبقاتی و اپاراز آن حکومت جزوی نیست.
طباطبهای انتظامی - سیاسی و فرهنگی وجود ندارد چنانست
که بحیثیت خود را بردیگر است. در این جامعه صرف
نمای اجتماعی خود را میتوان گفته که ملت اجتماعی
نیان اعیان و حجت از دست مددود. بر ایمان این الگو
دران خدا ولیام و مسکن از مردم سازهای واقعی یعنی
مکند. میتوان جامعه ای در مقابله حیان نشکل اید
سامانی نه این احمدداد قدرت بلکه با انتقام و دور، جامعه ای
که ایام ایستاد. آزاد ای طبقه ای اتفلاک - اتفلاک

پای خویش بر میدارد و بزدههای این ایام را از مردم پریدهای خود میگیرد، خرچه آزادی را، بخدا مزدیکش، خداواری مظلل است. نیازمند فراموش شدن به آزادی نمیباشد بسایه این آنکه انسان خویش خویش را بازی می‌باید و خودرا از سلطه از خود میگذراند آزاد، به اند و اصل نمده است. دیدن از این این شناس از ازل و این آمدن به ابد و راه اغراق و انشغال و اندیشه همچویان طی کرد، چون راه را بایان ناید ایالت، انقلاب دائمی است، هر انقلابی را و اندیشه انقلابی است... و این تا باز این خویش خویش بعنی باز آمدن بخدا.

نظام احصای اسلام برایه این سلرکار، مبلغ امور ایت وجود ادعا کار است: عدد این نظام از اینان برداشت

امام حسین :
فریب ذخیره دنیارا
نخورید . زرق و برق بازار
دنیا شمارا از حقیقت دور نساز
ودر پیشگاه تجمل و مال
و منال و قدرت قدمتان

از آنجا که بعثت و انقلاب دائمی است امام هم امری دائمی است و امام از قید هر آنچه رنگ تعلق پذیر آزاد است امام نمی تواند به تعلقات گروهی و طبقاتی و ... رسیده باشد و نباید. ته اند اس سکان و زمان شود

شہادت
دسان شہادت و آنچه را که شهادت مدعی میکند
بذری احساس و بذری حیجان انگشت و عانفانه است که
روز را به آتش می کند و سطح را فلک میکند و قدرت ناطقه
را فتح و اندیشیدن را دستوار، جه، شهادت، آزمایش
از یک مشق گذاران و از یک حکمت عین و پیغمده این
دور با هم سیستان بیان گرد. و در تنبیه حق خنجر
ادا نمود. برای فهمیدن شہادت، باید اول مکتبی را که
شهادت در آن مکتب معنی مددعه، و شهادت در آن طرز
نکفر قابل توسعه است، و در این عندهه عالم شهادت از روی
میاند، ووش نمود و آن عمارت است از مکتبی که "حسن"
کی از مظاهر این مکتب است، و جوان زاری و نسرد
تاریخی در سرگفت انسان، که حسن یک برجام دار این
نمود است، و کربلا او یک صدنه از مددعهای نمود
پیوست واحدی که در جمیمه‌های مختلف و سلسله‌ها و عصرهای
 مختلف، در طول تاریخ، از آغاز تا حال آبتدۀ جاری
است.
از اکنون شهادت دکتر علی شریعتی
آیا امام حسین برای شهادت و ما به قصد قیام
را بدل کردن حکومت از مدینه برای افاده؟ راماندان
رای شهیدشدن، کاربیدبری است، و شهیدشدن برای جلب
توافث اسماها در طول تاریخ، مهربانی است. بگمان ما
تبل اسلام در باور احمد بن اسنا بود، او عاشق بوده از فکر
دادتن اهیاس روح مسکن. بلکه بوده می‌آمد. بیان این
باوری مهابت که محجوب و گیو از آن مورد دلسوزی واقع
روشن کردن این امر کمال ضرورت را دارد دکتهادت،
آن شهادت است که بخطار خدا و بروای دستیابی به
خدمتی می‌باشد که آزادی و رشد انسان در دستیابی بدانست.
که حد معمول نیاشد و با یکی معرفایل دسترسی باشد
که سخن دیگر اگر شهادت از روی احساس ناتوانی در مقابله
را ففع و برای دنیو شکست طبقی امروزه دان و همراه
جلب اعاظله شلیه‌اشی که از پس یکدیگر می‌باشد. شهادت
نمی‌باشد، خودکشی است.
درس خاورنا از دکتر سید ابوالحسن بنی‌مدرس)

نامی سلطنهای است که آدمیان و احتماعات را از حسود
و بگانه سوارد. این نظام سازنده دائمی کاربران انقلاب
و عین سود شروع انتقام مخالف است که از قید نمهد
و رفیقان نظم موجود آزاد است. بدیگر سخن جون شدن
و انتقام خواز راه عمل نظام باشد انتقامی و جز از اراده
که نسلان احتماعی سورت نمکرند، نظام اسلامی باید پرسا
که و بیان نمتد: حامدرا در جزیان اولادشدن فرار
نهاد و در این حربان به فرار بزد.
نظام اسلامی آنچه که نظام خاص یک دوره معین
که از برجسته و مخصوص بگ ساخت عین احتماعی نیست، سازنده
و بردازندۀ تبرویتی است که در محدوده نظم موجود محل
عمل و وظیفه ندارد. حر تعمیر بنادران، این نظام
خلق دائمی کاربران انقلاب و بوجود حرکات نظام باشد
و این مسأله مسأله اسلامی است. این احتماع معا

سے سیوی ریاستی، نرمن سین سسی و سکردو
دران مز احمد سکردو
این راد دل را ویا بان نایدا را دل ل راخنا گئی؟
عام تھید میکو د ک او اس: من در جان تایم امامت
پیاویت انقلاب داشت و امام نظر و سطیر ایضاً ایساً است.
پیاویت بک نش، سک و طفلا رس دریک حرفک، ایساً
یعنی جماعت و امام نظریہ این بنت ات، هدف اسن
یعنی برداشی ماخ ها و یاک گرد راد آزادی است، بلند
این بنت ایجاد نندم بو ات، آنچه ک بنت و انقلاب
دالی ات امامت و امام هم امی دالی ات وار هیچجا
امام از قید هر یا جو ک علی پذیردی ازاد ات، امام ات
مسواند به انقلاب کوهی وطنیانی و . . . سنه ویاپنند
بانت و مسواند اسر زمان و مکان نود، امام ماید بصن
دوم روحانیتیوی مخالف میں باند، دوام معمومت
امام و عدم ایک خالی بودن سون ارجحت.
امام نام سیوی سیان اراده خدا ات و اراده خدا
سمیاند نام سیبر و اسکن کا باند، امام سیتوان معموم
سان پیاوی انقلاب داشت و چوتیا انقلاب سیوی طبعی
ات ک دراگ ایان از سلطخ خوبت۔ حکومت سیوان ایزا

